سبک رفتار

> براساس تحقیقات انجام شده کسانی که شغل آزاد دارند قانون گریزتر هستند و بالعکس کسانی که در ادارات دولتی یا ادارات آزاد با چارت و سازمان‌بندی دولتی مشغول به کار هستند در مقایسه با دیگران قانونمندتر هستند. نکته مهم در مبحث قانون گریزی آنجاست که دقیقا در جایی که ما ادعای شهرنشینی و بافرهنگ بودن داریم بیشتر از روستانشین‌ها و جوامع کوچک‌تر قانون گریز هستیم

بررسی دلایل قانون‌شکنی ایرانی‌ها از زبان دکتر علی بابایی، جامعه‌شناس

گریز از ویروس فراگیر قانون گریزی

■ رها آزاد

«چرا فرهنگ کار جمعی در ایران ضعیف است؟ چرا در روابط اجتماعی، حقوق متقابل رعایت نمی‌شود؟ چرا در فرهنگ رانندگی انضباط لازم رعایت نمی‌شود؟» بیان همین چند سؤال ساده از سوی مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان خراسان شمالی باعث شد اولین جرقه‌های ذهنی جامعه‌شناسان در مورد روند افزایش قانون گریزی مردم شکل بگیرد. با مطرح شدن این سؤال‌ها بود که همه چشم باز کردند و دیدند متأسفانه روند قانون گریزی و تخطی از دستورات قانونی در همه محیط‌های اجتماعی ایران رو به افزایش است. از راننده تاکسی گرفته تا کارمند اداره دولتی همه بی‌پروا، به هر میزان که دستشان می‌رسد قانون گریز هستند و از این خصلت ابایی هم ندارند اما چرا؟! مشکل از کجاست؟ آیا دلیل افزایش آمارهای تخطی از قوانین، ناقص بودن قوانین است یا مجریان قانون از قدرت کافی برخوردار نبوده‌اند؟ اگر قانون متناسب با مردم تدوین شده، نکند مشکل از تربیت نیروی انسانی جامعه است؟ رسیدن به سرنخ پاسخ همه این سؤال‌ها قطعاً در گرو دلایلی است که باید از زبان یک محقق، مردم‌شناس و حتی جامعه‌شناس عنوان شود؛ کسی که در زمینه تدوین قوانین مربوط به کشور ایران، نحوه اجرای قوانین از سوی سازمان‌های مجری، دستورالعمل‌های تنبیهی برای خاطیان و حتی روند آگاه‌سازی و پرورش ملت قانونمند تحقیق و پژوهش داشته باشد. دکتر علی بابایی جامعه‌شناس و استاد دانشگاه تهران یکی از بهترین کسانی است که می‌تواند به همه سؤالات ما در زمینه دلایل قانون گریزی مردم و روش‌های تربیت جامعه قانونمند پاسخ دهد.

■ **اصول و قواعد لازمه زندگی اجتماعی**

دکتر علی بابایی معتقد است از شروع روند تکامل بشر در زندگی اجتماعی تجربه‌ها نشان داد که برای بهبود روند زندگی و تعامل گروه‌ها با یکدیگر از طرفی و برای رفع تنش‌های هر زندگی جمعی از طرف دیگر لازم است که بخشی از اصول و قواعد رفتاری به شکل قانون تنظیم شوند و الزامات قانونی هم برای اجرای آنها در بین مردم هر جامعه به کار گرفته شود. رفته رفته و با استقرار قوانین مختلف در زندگی ملت‌ها تجربه نشان داد که برای پیشرفت و آرامش مردم بهتر است که نظم اجتماعی در همه مراتب کشور به کار گرفته شود.

حتی تجربه استقرار و حیات دولت‌ها و حکومت‌های مختلف هم نشان داد که نظم اجتماعی و تنظیم قوانین در هر جامعه‌ای از چنان اهمیت بالایی برخوردار است که می‌تواند تعیین کننده دوام و قوام هر جامعه هم باشد. چنین شرایطی دست به دست هم می‌دهد تا ما از یک جامعه بدون محدودیت و آشفته به واسطه قوانین مدون شده یک جامعه آرامش و قانونمند بسازیم پس اولین قدم در مبحث قانون گریزی شناخت قانون است؛ دستوری که ضرورت اجرای آن بسته به آرامش مردم و پیشرفت کشور تعیین می‌شود و در برخی موارد منافع دولت‌ها و ملت‌ها را هم دربرمی‌گیرد.

نکته قابل تأمل در همه زندگی‌های اجتماعی آنجاست که اگر حیات هر جامعه و آرامش هر مردمی در گرو نظم اجتماعی است پس باید بدانیم که نظم اجتماعی هر جامعه‌ای هم در گرو شناخت و تعریف هنجارها و ناهنجارهای آن است. با تعریف جزء به جزء چنین داده‌هایی است که ما هم می‌توانیم قوانین اجتماعی و هم برای افراد خاطی مجازات تعریف کنیم.

■ **قانون گریزها چه کسانی هستند؟**

اگر بخواهم یک تعریف درست از قانون گریزها ارائه بدهم باید بگویم قانون گریزها بخشی از مردم جامعه هستند که از قوانینی که برای جامعه تعریف شده تخطی می‌کنند. در واقع قانون گریزها عده‌ای هستند که هنجارهای رسمی یک جامعه را که مورد احترام افراد واقع شده نادیده می‌گیرند؛ قانون گریز، کسی است که با رفتار خود به شکل کاملاً عامدانه و آگاهانه قوانین رسمی جامعه را نادیده می‌گیرد. معمولاً قانون گریزها در هر جامعه‌ای حضور دارند و بسته به طبقه زندگی خانوادگی‌شان اغلب قابل اصلاح هم نیستند چون نوع رفتارها و بی‌ارزش گرفتن قوانین را به نسل‌های بعد از خودشان هم انتقال می‌دهند. مادامی که تعداد این افراد به نسبت جمعیت کم باشد و قانون گریزی‌هایشان تغییر در زندگی سایر مردم ایجاد نکند جای نگرانی نیست اما زمانی که تعداد قانون گریزها افزایش پیدا کند رفتارهای آنها جنبه آموزش غلط برای سایر مردم پیدا می‌کند و قطعاً روند زندگی طبیعی مردم را با اختلال روبه‌رو می‌کند؛ این درست همان نقطه‌ای است که باید نگران بود و دست به کار شد.

متأسفانه اوضاع در بخش زیادی از مردم ما این روزها به همین شکل نگران کننده درآمده و این رفتارها چیزی نیست که نیاز به تحقیق و کنکاش داشته باشد. ما به عینه قانون گریزی را در بین اقشار و طبقات مختلف جامعه‌مان به‌ویژه در کلانشهرها شاهد هستیم. متأسفانه حجم افرادی که این روزها قانون را در هر بخشی نادیده می‌گیرند آنچنان زیاد شده که ما ایرانی‌ها با معضل قانون گریزی به عنوان یک معضل اجتماعی روبه‌رو هستیم.

در جامعه ایران در مبحث قانون گریزی چند نکته از جمله نشانه‌های عینی، علل و عوامل مؤثر، تبعات ناشی و روش‌های جلوگیری از قانون گریزی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

فکر می‌کنم حداقل در مبحث اول و نشانه‌های عینی قانون گریزی نیازی به اثبات موضوع نباشد. مگر می‌شود کسی ترافیک این روزهای تهران را تجربه کرده باشد اما تردد بعضی خودروها را از خط ویژه و اضطراری ندیده باشد؟ در بین افراد شاغل چه کسی می‌تواند ادعا کند خودش و همکارانش به همه قوانین کاری‌شان پایبند هستند؟ چند درصد مردم از قوانین مربوط به مالیات و دارایی سر باز می‌زنند؟ در جامعه اسلامی ما چقدر از مردم روش‌های دور زدن قانون یا همان سوءاستفاده را عملی نمی‌کنند؟ اصلاً چرا افراد اعتقادی به قانون ندارند یا در عین پذیرفتن از آن تبعیت نمی‌کنند؟ چرا برخی افراد بیشتر از برخی دیگر قوانین را رعایت می‌کنند؟ چه عواملی موجب افزایش قانون گریزی در جامعه می‌شود؟ چرا وقتی که همه ما می‌دانیم بقای هر جامعه به نظم آن جامعه وابسته است و نظم اجتماعی هم بر پایه قوانین پذیرفته شده جامعه است؛ وقتی می‌دانیم که قانونمداری موجب پایداری جامعه و قانون گریزی موجب به خطر افتادن و فروپاشی یک جامعه است باز هم از قانون تبعیت نمی‌کنیم؟!

جالب اینجاست که وقتی در موضع پاسخگویی قرار می‌گیری تازه می‌فهمی از بین دو دسته‌بندی قانون گریزی سخت و نرم بیشتر مردم ایران جزو قانون گریزهای نرم هستند چون آنچه مسلم است اینکه همه ما به نوعی مرتکب قانون گریزی از نوع دوم می‌شویم زیرا این نوع قانون گریزی به دلیل ویژگی‌هایی که دارد راحت‌تر در جامعه اجرا می‌شود و همین سهولت اجرایی باعث شده که به امری عادی و معمولی تبدیل شود و از دیدگاه مردم هم اصلاً قانون گریزی به حساب نیاید!

■ **بیماری‌ای که در بین همه فراگیر شده است**

قانون گریزی مردم ایران با وجود تأکیدات و پایبندی‌های دینی که باید داشته باشند نه تنها هر روز کمتر از دیروز نمی‌شود بلکه درمیان مردم ما از قشر مالی کم‌درآمد تا مرفه، فرهنگی و غیرفرهنگی، مالک وسیله نقلیه یا مسافر، کارمند یا خانه‌دار تا جوان و میانسال دیده می‌شود. اینکه مردم کشور ما تابع موج‌های حرکتی هستند یک موضوع ثابت شده است، کافی است یک نفر با جرئت، رفتاری هرچند غلط را انجام دهد بلافاصله شاهد دنباله‌روی سایر مردم از او خواهیم بود. نمونه کاملاً عادی این موضوع تردد در خطوط ویژه، نادیده گرفتن حقوق عابرین پیاده یا رد کردن چراغ قرمز است.

کافی است یک راننده قانون گریز تحمل ترافیک را نداشته باشد و فرمان ماشینش را به سمت خط ویژه کج کند. اگرچه رفتار همان یک راننده هم دور از شأن یک شهروند است اما همین یک حرکت کافی است تا حجم خودروهایی که عبور از خط ویژه را انتخاب می‌کنند این مسیر را هم مسدود کند من اسم این تقلیدها را رفتارهای تابع موج می‌گذارم. نکته بعدی رسیدن به سؤال در مورد علل بروز رفتارهای قانون گریزانه در بین مردم است که عوامل و دسته‌بندی‌های کلی به عوامل زمینه‌ای، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تقسیم می‌شود. ریشه‌یابی بروز این نوع رفتارها در وهله اول ما را به عوامل جزئی و تأثیرگذار مثل عوامل زمینه‌ای مانند جنس، سن، محل سکونت، وضعیت تأهل و وضعیت اشتغال هدایت می‌کند. مثلاً در مورد تأثیر جنسیت در قانون گریز بودن افراد باید بگویم جز در یک مورد خاص آمارها نشان می‌دهد که قانون گریزهای مرد در مقایسه با زن بسیار بیشتر هستند. مطمئناً خصوصیات جنسیتی و اخلاق اجتماعی در این مورد بسیار تأثیرگذار است.

> قانون گریزی مردم ایران با وجود تأکیدات و پایبندی‌های دینی که باید داشته باشند نه تنها هر روز کمتر از دیروز نمی‌شود بلکه درمیان مردم ما از قشر مالی کم‌درآمد تا مرفه، فرهنگی و غیرفرهنگی، مالک وسیله نقلیه یا مسافر، کارمند یا خانه‌دار تا جوان و میانسال دیده می‌شود. اینکه مردم کشور ما تابع موج‌های حرکتی هستند یک موضوع ثابت شده است، کافی است یک نفر با جرئت، رفتاری هرچند غلط را انجام دهد بلافاصله شاهد دنباله‌روی سایر مردم از او خواهیم بود. نمونه کاملا عادی این موضوع تردد در خطوط ویژه، نادیده گرفتن حقوق عابرین پیاده یا رد کردن چراغ قرمز است

■ **جوان‌ها بیشتر تخطی می‌کنند**

در مورد عامل تأثیرگذار سن باید بگویم که در حقیقت بین «سن» قانون گریزی یا قانونمداری رابطهٔ معناداری وجود دارد. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که گروه‌های کم سن و سال یا نوجوانان و جوانان بیش از سایر گروه‌های سنی رفتارهای نابهنجار دارند. در واقع رفتارهای این گروه از افراد جامعه نشان می‌دهد که این گروه بیش از سایرین از هنجارها و ارزش‌های اجتماعی تخطی می‌کنند. در حقیقت هر چه سن افراد، بالاتر می‌رود قانون گریزی آنها کمتر می‌شود. به بیان دیگر با بالاتر رفتن سن، افراد قانونمدارتر می‌شوند. این موضوع نیازی به اثبات، بیان آمار و ارقام ندارد. در یک تصویر از محل رانندگی هم می‌توانید متوجه این موضوع شوید. دقت کرده‌اید وقتی راننده قانون‌شکنی را می‌بینید که با سرعت زیاد رانندگی می‌کند یا ویراژ خطرناک می‌دهد و از کنار شما عبور می‌کند به قطع و یقین جوانی است که عشق سرعت دارد در مقابل میانسال‌ها و بزرگ‌ترها کسانی هستند که در سطح جامعه کمتر رفتارهای قانون‌شکنانه دارند.

■ **متأهل‌های قانونمند بیشتر از مجردهای قانون‌شکن**

عامل مهم بعدی تأهل یا مجرد بودن قانون‌شکنان است. متأهل‌ها از جمله کسانی هستند که پایبندی نزدیک به صددرصدی به اجرای قوانین دارند و در مقابل آنها مجردها با بیشترین میزان قانون‌شکنی قد علم می‌کنند. یک رابطه ساده بین وضعیت سنی و رابطه متأهلی اثبات می‌کند از آنجاکه اغلب جوان‌ها مجرد هستند پس زمینه قانون گریزی آنها بیشتر است و یک نتیجه‌گیری جامع‌تر اینکه مردان جوان مجرد قانون گریزترین قشر جامعه ما هستند.

اگر بخواهم در مورد طبقه اشتغال نظر بدهم باید بگویم متأسفانه براساس تحقیقات، کسانی که شغل آزاد دارند قانون گریزتر هستند و بالعکس کسانی که در ادارات دولتی یا ادارات آزاد با چارت و سازمان‌بندی دولتی مشغول به کار هستند در مقایسه با دیگران قانونمندتر هستند.

نکته مهم در مبحث قانون گریزی آنجاست که دقیقاً در جایی که ما ادعای شهرنشینی و بافرهنگ بودن داریم بیشتر از روستانشین‌ها و جوامع کوچک‌تر قانون گریز هستیم.

در مقایسه کلی می‌شود گفت اگر آمار قانون گریزی شهرنشین‌ها را در مقابل قانونمندی روستاییان قرار دهیم تازه می‌فهمیم انگار در روستاها هیچ اثری از قانون گریزی وجود ندارد. این موضوع را می‌توان به موضوع مهاجرت بین شهر و روستاها هم نسبت داد چون افزایش روند مهاجرت روستاییان به شهرها سبب زمینه‌سازی بیشتر قانون گریزی می‌شود. توجه داشته باشید که مهاجرت افراد به شهرها بسیاری از مسائل اجتماعی را به همراه دارد که یکی از نتایج آن قانون گریزی است. رها شدن افراد از کنترل اجتماعی غیررسمی و تعارضات فرهنگی که در روستا وجود داشته زمینه شکل گیری رفتار انحرافی را در افراد مهیا می‌کند.

در دسته عوامل تأثیرگذار بعدی عوامل اجتماعی قرار دارد که در این زمینه می‌شود به آشفتگی یا احساس آنومی، وضعیت خانواده، فردگرایی، آگاه نبودن از قوانین و نبود رفاه اجتماعی اشاره کرد. در دسته بعدی عوامل مؤثر بر قانون گریز بودن فرد می‌شود به عوامل فرهنگی مثل تحصیلات، مذهب و اعتقادات مذهبی، ویژگی‌های شخصیتی، خاص‌گرایی فرهنگی و رسانه‌ها اشاره کرد.

متأسفانه در جامعه فرهنگی، سنتی و مذهبی ایران نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی بیش از سایر عوامل است، البته از آنجاکه با کمترین هزینه و آسان‌ترین روش‌ها می‌شود این عوامل را به راحتی حذف کرد شاید این موضوع از زاویه‌ای دیگر جای خوشحالی هم داشته باشد.

اگر بخواهیم در مورد عوامل اقتصادی مؤثر بر قانون گریز بودن افراد اشاره کنیم باید روی مباحث مهمی مثل نابرابری سطح درآمد و اندوخته اقتصادی خانواده‌ها، اشتغال و بیکاری، توسعهٔ ناموزون شهری و پایه اقتصادی توأم با اجتماعی خانواده‌ها تمرکز کنیم. من معتقدم هریک از این عوامل بر یک نوع خاص از فرار قانون افراد تأثیر می‌گذارد، مثلاً یک آدم فقیر یا بیکار هیچ وقت نمی‌تواند از قوانین مالیاتی یا اداری تخطی کند و در مقابل یک شخص متمول قطعاً احتمال قانون گریز بودن بیشتری در این زمینه دارد.

عوامل سیاسی جزو کمرنگ‌ترین عوامل تأثیرگذار بر این موضوع هستند و در واقع عوامل مربوط به قانون، عوامل مربوط به کارگزاران و نظام سیاسی جزو عواملی هستند که در دوره‌های مختلف تأثیرات بسیار کمی بر روی اصل موضوع داشته‌اند.

سبک نظم

جامعه قانونمند با همکاری دولت و مردم

■ دکتر علی‌اصغر فیروزجائیان* ■

بعد مهم قانون گریزی هر فرد روی دو اصل اساسی تکیه می‌کند؛ اول اینکه قوانین، کافی و جامع نیستند و دوم اینکه ممکن است در عین کامل بودن قوانین افراد شناخت درست و روشنی از قوانین جامعه‌شان نداشته باشند.

از آنجایی که بعد از ریشه‌یابی نوبت به پیشگیری و اصلاح فرد قانون گریز می‌رسد نوبت به روش‌های اصلاحی می‌رسد. برای اصلاح بهتر است اول سراغ قانون برویم؛ برای جلوگیری از بروز قانون‌شکنی‌ها و قانون گریزی‌های جامعه باید قوانین هر جامعه به روز و مبتنی بر نیازها و ضرورت‌های جامعه وضع شود. قوانین تصویب شده باید با یکدیگر هماهنگ باشند اما متأسفانه در بسیاری موارد با هم در تضاد یا نفی کننده یکدیگر هستند.

قوانین ضمانتی باید به عنوان پشتوانه اجرایی برای قوانین تصویب شده شکل بگیرد. افزایش و به روز شدن قوانین مربوط به مجازات تخطی از قوانین نیز می‌تواند در زمینه هشداردادن و روند کاهل قانون گریزی مؤثر باشد. در بسیاری موارد قانون گریز بودن افراد ناشی از وجود قوانین پرابهام است که تصویب قوانین روشن و شفاف که امکان سوءاستفاده از آنها نباشد عامل بازدارنده برای این گروه قانون گریزهاست.

قانون گذاران باید تلاش کنند تا با توجه به نیازها و شرایط روز جامعه، قوانین مناسب را مورد تصویب قرار دهند، هر چند این موضوع مستلزم آن است که قانون گذاران از تخصص و صلاحیت کافی برای قانون گذاری برخوردار باشند.

فراموش نکنیم مردم از قوانین تبعیت می‌کنند که بدانند قانون گذاران و مجریان آن از مشروعیت برخوردار هستند؛ در درجه اول کسانی از مشروعیت برخوردارند که از تخصص و توانایی لازم برای پست‌ها و موقعیت‌هایی که به آنها محول می‌شود، برخوردار باشند.

قانون گذاران و مجریان امر هم باید نظارت کامل و گسترده بر روند اجرا شدن قوانین داشته باشند تا هر مورد خلاف قانون سریع رصد شود. رعایت انصاف و عدالت اصل محوری اجرای قانون است. لذا مجریان قانون اعم از قضات، پلیس و کارکنان ادارات باید رویه‌های منصفانه‌ای در اعمال قانون دارد، هر چند قبل از آن هزینه‌های قانون گریزی باید بیشتر از فایده آن باشد.

برای اطلاع‌رسانی و آموزش به جمعیت مهاجر روستانشین‌ها به محدوده شهری هم می‌توان از طریق برنامه‌ها و همایش‌ها، مزایای قانون گرایی و معایب قانون گریزی را برای مردم بازگو کرد. تقویت حوزه عمومی و حمایت از سازمان‌های غیردولتی در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد.

اگر در بین مردم جامعه باشند گروهی که از سدهای آموزشی گذشته باشند اما همچنان قانونمند رفتار نکنند در واقع باید مسئولان و عوامل اجرایی به فکر راه‌حل‌های کنترلی باشند و وارد فاز بعدی شوند. در این مورد باید اول به فکر تقویت نهادهایی که برای کنترل و حفظ نظم در جامعه وجود دارند، باشیم. جریان مجازات افراد خاطی یکی از راه‌حل‌هایی است که نتیجه خوبی درپی دارد. تجربه در مورد بالارفتن قیمت جریمه‌های رانندگی بهترین نمونه برای تأیید این راهکار عملی است.

سرعت و شدت مجازات باید به گونه‌ای باشد که هزینه ارتکاب انحراف از قانون بسیار بیشتر از سود آن باشد. باید به وسیله شیوه‌های فرهنگی و آموزشی، حساسیت مردم در جهت کنترل غیررسمی را افزایش داد. این کار می‌تواند از طریق رسانه‌ها و سازمان‌های غیر دولتی انجام گیرد.

هر چند سازمان رسمی در هر جامعه‌ای وظیفه اصلی برقراری نظم اجتماعی را بر عهده دارد، اما این به خودی خود کافی نیست. دقیقاً به همین دلیل است که امروز سازوکارهایی برای مشارکت هرچه بیشتر مردم در برقراری نظم و امنیت در جامعه تعریف شده است. همیار پلیس و پلیس محله نمونه‌هایی از مشارکت و ورود مردم به عرصه کنترل اجرای قوانین انتظامی است. علاوه بر این مشارکت مردم در کنترل و نظارت بر صحت اجرای قانون، هزینه‌های این امر را کاهش و کیفیت آن را افزایش می‌دهد.

برای اینکه شهروندانی مسئولیت‌پذیر در جامعه داشته باشیم باید نه تنها حقوقی برای آنان در نظر گرفته شود، بلکه رعایت حقوق شهروندی از طرف دستگاه حاکم باید اصل قرار گیرد. وقتی برای

در جامعه داشته باشند. بی‌اعتمادی مدنی مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار بر قانون گریزی افراد در جامعه است. وقتی افراد جامعه ببینند که مجریان قانون قوانین را رعایت نمی‌کنند، آنان نیز میلی به رعایت قانون نخواهند داشت. لذا برای افزایش قانون گرایی در جامعه به نوعی اعتمادسازی از طرف کارگزاران قانون نیاز است.

در مرحله دوم برای جلوگیری از قانون گریز شدن مردم باید سراغ روشنگری و آگاه‌سازی آنها برویم. اگر ما قوانین کامل و محکمی داریم که جای نقصی ندارد بهتر است دست به کار شروع مرحله دوم بازدارندگی بشویم. باید یادآوری کنم علاوه بر نامناسب بودن قوانین، آگاه نبودن از آنها هم می‌تواند تا حدودی عامل قانون گریزی شود. هر چند این عامل به طور مستقیم مربوط به خود قانون نیست، اما با توجه به اینکه قانون برای جامعه و مردم مورد تصویب قرار می‌گیرد می‌شود با استفاده از آگاه‌سازی و فرهنگسازی در مورد قوانین اجتماعی بخش مهمی از قانون گریزی را از بین مردم حذف کرد. رسانه‌ها بهترین ابزار کمکی در این زمینه هستند و دقیقاً اولین قدم در مورد آگاه‌سازی مردم متکی به حضور رسانه‌هاست. قوانین، به ویژه قوانین عمومی و شهروندی از طریق رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی باید به اطلاع مردم برسد و در گذر زمان مرور شوند.

با انتخاب جامعه‌های هدف برای آموزش باید اولویت را به گروه‌های پربازده مثل دانش‌آموزان و کودکان اختصاص داد. بهتر است برای یک عامل بازدارنده به فکر آموزش قوانین از درون فرایند جامعه‌پذیری به ویژه از طریق مدارس در سنین پایین به افراد باشند. پرداختن به این موضوع مهم برای تربیت فرزندانی قانونمند برای نسل بعد تا آنجا مهم است که معتقدم می‌شود با کتاب‌های درسی مدارس و حتی دانشگاه در این زمینه به نتیجه دلخواه رسید.

در موارد بسیار، افراد به دلیل آگاه نبودن از هزینه‌های قانون گریزی به راحتی مرتکب آن می‌شوند. از این رو اطلاع‌رسانی در این زمینه تا حد زیادی می‌تواند افراد را از قانون گریزی باز افراد جامعه حقوقی (برای مثال انواع آزادی‌های مدنی) در نظر گرفته نشود یا حقوق تعریف شده در قانون اساسی در قبال آنان رعایت نشود، نباید از آنان انتظار مسئولیت‌پذیری در جامعه را داشت. در شهروندداری حکومت و نیروهای جامعه مدنی به قوانین اجتماعی در ارتباط با شهروندان التزام دارد.

از این رو شهروندسازی باید از پایین در جامعه اتفاق بیفتد نه از طریق دستگاه حاکمه و از بالا در حقیقت این گسترش حوزهٔ عمومی است که زمینه را برای افزایش شهروندان مسئول در جامعه فراهم می‌کند. گسترش کمی و کیفی حوزه عمومی موجب می‌شود تا شهروندان دست از فردگرایی در جامعه بردارند و راه‌حل جمعی را برای حل مسائلشان انتخاب کنند.

بی‌اعتمادی زمانی در یک جامعه افزایش می‌یابد که شاهد فردگرایی در جامعه باشیم. وقتی در یک جامعه هر کسی به دنبال نفع شخصی خود باشد کسی نمی‌تواند به دیگری اعتماد کند. اما با گسترش شهروندگرایی از طریق مشارکت‌های مدنی در حوزه عمومی به تدریج اعتماد عمومی در سطح جامعه افزایش می‌یابد و شاهد جامعه‌گرایی در میان افراد خواهیم بود. از این طریق، حتی کنترل غیر رسمی در جامعه نیز افزایش خواهد یافت.

بنابراین، نظام سیاسی باید زمینه را برای تعمیق شهروندی، چه در بخش حقوق و چه در بخش وظایف، فراهم کند. ایجاد فضای باز سیاسی و اجتماعی در این راستا مهم است، زیرا نه تنها داشتن فضای باز سیاسی ـ اجتماعی، حقوق همه شهروندان است که وجود این حقوق می‌تواند بستری باشد برای مسئولیت‌پذیری افراد در جامعه، زیرا در این شرایط قانون کمتر از سوی افراد جامعه، حتی کارگزاران قانون، نادیده گرفته می‌شود، به این دلیل که همه افراد همیشه از طریق رسانه‌ها، سازمان‌های غیر دولتی و دیگر نهادها در معرض نگاه و داوری عموم قرار دارند و این کنترل، مانعی است برای قانون گریزی.

* عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران